اتمام حجت

۱– در صحت کتب مقدسه

کسانی که گمان می‌کنند که کتاب مقدس تبدیل یا تحریف شده بدانند که بر هر عاقل و هوشیاری پوشیده نیست که چنین کاری ممکن نیست، بلکه محال عقل است به جهت آنکه کسانی که به کتاب آسمانی خود معتقدند و آن را کلام خدا می‌دانند و آن را برای حیات و نجات خودشان قبول کرده‌اند لابد آن را از هر چیز عزیزتر بلکه از جان خودشان دوست‌تر دارند و کلمات آن را گذشته از سنگ و پوست و کاغذ بر سینه‌های خودشان محفوظ می‌دارند و این عادت در هر دین و مذهبی جاری بوده و هست خواه آن دین درست و از جانب خدا باشد و یا باطل و از طرف انسان چنانچه امروز مشاهده می‌شود که یهود و مسیحی و مسلمان و بت‌پرست و... هر کدام در حفظ دین و مذهب خود چه اندازه جدیت می‌نمایند و مواظبت دارند حال ببینیم که یک دین عمده که مراد از مسیحیان باشد و یک کتاب عمده که مراد از انجیل باشد که در مدت صد سال اول سن مسیحی در تمام ممالک معموره کره زمین نفوذ پیدا کرد و کرورها به او معتقد شدند از طوایف مختلف و زبانهای متفاوت مانند شامات و اناطولی و مصر و یونان و مکادونیا و ایتالیا و اسپانیا و فرانسه و عربستان و ایران و جزیره کریت و قبرس و اسکندریه و حبش و... آیا این طوایف مختلف به طور یقین ترک دین و مذهب خودشان را کرده مسیحی شده‌اند یا به زور شمشیر یا به گرفتن پول و یا به امید غنیمت هیچ کدام بلکه انجیل را به دقت رسیدگی کرده‌اند و بر دین خودشان ترجیح داده‌اند و از برای نجات خودشان قبول کرده‌اند.

حال ببینیم آیا ممکن است که یک چنین دینی بعد از دویست سال یا سیصد سال یا پانصد سال در صدد برآیند که کتاب خودشان را تحریف یا تبدیل نمایند با وجود اینکه این طوایف دایم در صدد آن بودند که در حفظ کتاب و تعلیم آن بر دیگران سبقت جویند بالفرض اهل یک شهر یا یک مملکت خواستند یک چنین کاری را بکنند آیا سایر طوایف و ممالک مسیحیان ساکت می‌نشستند و آنها را سالم می‌گذاشتند آیا هیچ عقلی با چنین گمانی را تصور و یا قبول و تصدیق می‌کند یا می‌توان قبول کرد که تمام مسیحیان عالم از اطراف و اکناف و ایالات و ممالک بعیده در یکجا جمع شدند و به ضد خدا و خلق مقاومت کردند و چنین کاری را کردند گمان نمی‌رود که هیچ عقل ضعیفی چنین گمانی را بنماید. حال فرض محال می‌کنیم که چنین کاری را می‌کردند چه فایده‌ای از آن می‌بردند. آیا نزد مسلمین محرم می‌شدند یا تحصیل دولتی می‌کردند یا خدا و مسیح را از خود راضی می‌کردند، خیر. پس از کردن چنین کاری جز عذاب دنیا و آخرت فایده دیگری گمان نمی‌رود از برای کنندگان چنین کاری در صورتی که در انجیل معین شده عقوبت کسی را که یک کلمه بر انجیل بیفزاید یا از او کم نماید مثلا اگر جمعی از مسلمین یا عموم مسلمین امروز بخواهند یک یا چند آیه از قرآن را تبدیل یا تحریف نمایند آیا ممکن است یا اگر در صد سال قبل یا هزار سال قبل می‌خواستند چنین کاری را بنمایند ممکن بود؟ هیچ عاقلی وقوع چنین کاری را قبول نمی‌کند اگر کسی بگوید که چون در انجیل خبر آمدن یک پیغمبری بود و چون آن پیغمبر ظهور کرد و مسیحیان نخواستند به او ایمان بیاورند لهذا از راه لجاج خبر آن پیغمبر را از کتاب خودشان تبدیل یا تحریف یا نابود کردند ما در اینجا سه جواب کافی می‌دهیم و باقی را به فهم و فراست خواننده واگذار می‌کنیم.

جواب اول: آنکه در سال پانصد مسیحی چنان دین مسیح معمول و متداول شده بود که تمام امپراطوری‌های دنیا قبول کرده بودند و دامنه آن دین تا هندوستان و... چنانچه ذکر شد کشیده شده بود و کشیشان و معلمان با انجیل در تمام این ممالک پراکنده در معابد و خانه‌ها مشغول تعلیم مسیحیان بودند هر یکشنبه بلکه هر روز از آیات انجیل برای آنها تلاوت می‌کردند. مثلا اگر کسی می‌خواست معابد مسیحیان آن ایام را سیاحت کند زودتر از سه سال برای او ممکن نبود حال ممکن است قبول نمود که تمام مسیحیان متفرقه متفق شده و تمام اناجیل را از شرق و غرب عالم جمع کرده در یک مجلس آن را تحریف کنند و تمام راضی به این کار و خرسند از این فعل باشند و مجددا به مراکز خودشان عودت کنند بگذارند و بگذرند مسلم در زمین که هیچ در آسمان هم چنین مجلسی فراهم نشده و نخواهد شد.

جواب دوم: آنکه در هر دینی که خبر آمدن یک موعودی باشد و علامات ظهور آن موعود در کتاب آنان مرقوم شده باشد مؤمنین آن دین شب و روز انتظار آن موعود را دارند و دائم از خدا ظهور او را درخواست می‌کنند و از آسمان و زمین دلیل می‌آورند که ظهور آن موعود نزدیک است و در این انتظار اعلی و ادنی عالم و جاهل شرکت دارند و در این بین هرگاه کسی بروز کند و گوید آن موعود من هستم خواه آن شخص صادق و از جانب خدا باشد یا کاذب و فریبنده باشد کسانی که به آن شخص ایمان نمی‌آورند می‌گویند موعود ما تو نیستی و ما منتظر موعود حقیقی خود هستیم دیگر ممکن نیست که بروند و اتفاق کنند و نام آن موعود را از کتاب خودشان تبدیل یا تحریف کنند چنانکه زمانی

که مسیح آمد و گفت موعودی که در کتب انبیا از موسی تا زمان یحیی که زمان خود مسیح باشد خبرش را داده‌اند آن من هستم یهودیانی که قبول کردند ایمان آوردند و آنان که قبول نکردند گفتند که آن موعود تو نیستی و او را انکار کردند دیگر نگفتند که خوب است با هم متفق شویم و خبر موعود را از توریه تحریف یا تبدیل کنیم و دیگر آنکه در انجیل خبر مراجعت مسیح بسیار است و تاکنون بسیاری از اشخاص آمده و ادعای مسیحا کرده‌اند چه در اروپا و چه در آمریکا و چه در آسیا و جمعی را هم فریب داده و دور خود جمع کرده‌اند که من مسیح هستم لیکن مسیحیان از علاماتی که در انجیل از برای مسیح صادق و مسیح کاذب معین شده دانستند که آنان کاذبند و آنها را رد کردند و هیچ نگفتند برای رد کردن این اشخاص خوب است اسم مسیح را از انجیل تبدیل یا تحریف کنیم همچنین تاکنون در اسلام چند نفر به اسم مهدی خروج کرده‌اند چه در عربستان و چه در آفریقا و چه در ایران مسلمینی که قبول نکردند هیچ نگفتند که خوب است جمع شده و کتب اسلام را جمع نماییم و اسم مهدی را تبدیل نماییم حتی تصور چنین کاری را هم نکردند و اگر هم می‌کردند ممکن نمی‌شد پس محال است که بتوان چنین کاری را انجام داد.

جواب سوم: آن است که اناجیلی که بعد از عروج مسیح یعنی در زمان حواریون و شاگردان حواریون همچنین تا بروز اسلام در مدت آن ششصد سال روی پوست نوشته شده امروز موجود است با اناجیلی که از زمان اسلام تا به امروز در مدت هزار و سیصد و سی سال به زبان‌های مختلف ترجمه و نوشته شده است با هم مقابله بکنیم ابدا اختلاف ندارد اناجیلی که بعد از عروج مسیح تا زمان اسلام نوشته شده اگر بخواهیم تمام آنها را اسم ببریم مطول خواهد شد لهذا به جهت نمونه چندی از آنها را ذکر می‌کنیم که بعضی از آنها انجیل به تنهایی است و بعضی انجیل و توریه با هم نوشته شده است از آن جمله یک نسخه که بر پوست نوشته شده در کتابخانه رم پایتخت ایتالیا موجود است که دویست و پنجاه سال قبل از اسلام نوشته شده و جلدی دیگر که او نیز بر پوست نوشته شده در کتابخانه لندن موجود است او نیز دویست سال قبل از اسلام نوشته شده است و ایضا یک جلد توریه و انجیل که او نیز بر پوست نوشته شده در پطرزورع پایتخت روسیه در کتابخانه امپراطور موجود است و آن سیصد سال قبل از اسلام نوشته شده و ایضا یک جلد مانند کتب مزبوره در کتابخانه پاریس موجود است که هر کس می‌تواند در کتابخانه‌های مزبوره رفته و کتب مذکوره را ملاحظه نماید و همچنین نسخی که از سال نود مسیحی تا سال دویست مسیحی نوشته شده در میان مسیحیان موجود است و کاتبین آنها شاگرد حواریون و بعضی شاگرد شاگردان حواریون بوده‌اند.

اسامی کاتبین آنها از این قرار است کلیمندس و ایکناسبوس و پوسیلوس و ایربوس و ترطولبانوس و نسخی که در سنه سیصد مسیحی نوشته شده اسامی کاتبین آنها از این قرار است اوربکنس و کپریانوس که از ایشان کتب زیاد باقیمانده و ایضا نسخی که در سنه چهارصد و پانصد نوشته شده اسامی کاتبین آنها از این قرار است باسیلیوس و خرنروسط موس و هیرونیموس و اکوسینوس و این کتب مذکوره در ممالک متفرقه از زمانی که نوشته شده تاکنون موجود و بی‌عیب بدون تحریف و تبدیل مانده و با نسخی که امروز در دست مسیحیان است ابدا تفاوت ندارد با وجود این ادله و براهین واضحه آیا می‌توان قبول کرد که انجیل تحریف شده و آیا گوینده این حرف با خدا لجاجت نمی‌کند پس ثابت شد که توریه و انجیل تا امروز تمام آیات آن محفوظ مانده نه کلمه از آن کم و نه بر آن افزوده شده و گمان تحریف خطاست. به علاوه امروز ملل مسیحی از تمام ملل عالم عالمتر و هوشیارتر هستند و در کتاب و مذهب خود کمال تحقیق و تفتیش را کرده‌اند و دانسته‌اند که دینشان درست و کتابشان صحیح و تا به امروز محفوظ و هیچ دست جسارت به سوی او دراز نشده است و اگر ذره در او خلل می‌افتد فورا آن را رد می‌کردند، زیرا که ملل مسیحی به زور و جبر قبول دین نکردند، بلکه در کمال آزادی تحقیق کرده و صحت آن را دانسته و قبول کرده‌اند گذشته از دین خود اساس سایر ادیان عالم را به خوبی می‌دانند و همیشه طالب چیز مرغوب می‌باشند و هر گاه درباره کتاب خود سؤظنی پیدا می‌کردند هرگز قبول نمی‌کردند و در کمال آزادی آن را رد می‌کردند چون به درستی انجیل پی برده‌اند و از آن لذت روحانی و جسمانی را حاصل کرده‌اند و نمی‌خواهند که کسی بی‌خبر از این لذت و محروم از این فیض باشد.

این است که انجیل را تاکنون بالغ بر پانصد زبان ترجمه نموده‌اند و در هر سال با میلیون‌ها مخارج و با اشد زحمات این کتاب‌ها را به تمام نقاط کره زمین می‌رسانند و منتشر می‌کنند تا هیچ کس بی‌خبر از این فیض نماند به علاوه مسیح صراحتا در انجیل فرموده که کلام من تا اقصای جهان خواهد رفت تا هر گوشی آن را بشنود و مؤمنین آن در نجات ابدی داخل شوند و از برای منکرین آن راه عذر نباشد و نیز فرموده کسانی که مژده انجیل را بشنوند و آن را رد کرده قبول نکنند عقوبت آن اشخاص به مراتب بدتر از عقوبت ساکنین شهر لوط خواهد بود این است که امروز در کره زمین گذشته از ایران که کمتر طالبند در سایر ممالک مانند هند و چین و کره و ژاپن و... به اندازه کتاب

مقدس رواج دارد که چندین دارالطباعه در لندن و... کتاب مقدس طبع می‌کنند و این نفوذ و اثری که از کتاب مقدس مشاهده می‌شود نه از جدیتی است که معلمان آن دارند، بلکه آن اثری است که خدا در آیات آن قرار داده است که هر کس از روی تحقیق تفکر یک مرتبه بخواهند قبول کرده و ایمان می‌آورد به شرطی شیطان قلب او را فاسد نکرده باشد هیچ کتابی نمی‌تواند از خدا بودن خودش را معرفی کند مگر کتاب مقدس و کتاب مقدس به سه دلیل خودش را معرفی و ثابت می‌کند که از خداست.

- دلیل اول: آنکه آنچه را که خدا از پیش به زبان انبیا و پیغمبران در کتاب مقدس خبر داده که در آنیل چه‌ها واقع می‌شود هر کدام در موقع خودش واقع شده و می‌شود.

- دلیل دوم: آنکه مسیح در انجیل فرموده که هر چه به اسم من از خدا بخواهید آن را خواهید یافت و ایمانداران به مسیح تمام حاجات خود را به اسم مسیح از خدا درخواست می‌کنند و حاجاتشان روا می‌شود ولو هر قدر بزرگ و در نظر انسان محال باشد.

- دلیل سوم: آنکه هرگاه شخص لجاجت و غرض را کنار گذارده و یک مرتبه انجیل را بخواند می‌بیند که چنان الفتی ما بین روح آدمی و آن کلام هست که گویا قبل از تولدش در عالم روح به آن کلمات الفت داشته فورا حزن و اندوه جسمانی از انسان دور می‌شود و در عوض چنان مسرور و شادمانی و اطمینان روحانی در خود مشاهده می‌کند که زبان از تقریر و قلم از تحریر آن عاجز است البته کلام خدا باید دارای چنین اثرات باشد پس بدین ادله خودش را ثابت می‌کند که از خداست.

کسانی که از توریه و انجیل بی‌خبرند می‌گویند که در انجیل احکام نیست با وجود آنکه مملو است از احکام برای اهل آن. گویندگان این کلام اگر متوقعند که انجیل توریه را نسخ کنند و شریعت جدیدی بیاورند اشتباه می‌کنند. به جهت آنکه کلام خدا هرگز منسوخ نمی‌شود جز آنکه کامل شود کلام خدا کلام انسان نیست که کهنه یا منسوخ شود بلکه کلام خدا یک شجره حیاتی است که در هر عهد و زمان میوه مناسب بار بیاورد و هر ذائقه را شیرین و هر قلبی را نیز مطمئن می‌کند چنانکه مسیح انجیل شریعت بود و مژده انجیل میوه مناسب آن بدین معنی که توریه یک درختی بود که تدارک می‌کرد یک میوه را از برای نجات انسان و آن میوه در موسمش به ثمر رسید و گفت هر که به من ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی دارد و از برای صدق قول او و ثبوت این ادعای بزرگ شهادت از آسمان رسید که این است پسر حبیب من که از او خشنودم و ملائکه از آسمان شهادت به این مژده دادند و یحیای تعمید دهنده بدین نجات شهادت داد و روح‌القدس به اشخاصی که منتظر ظهور او بودند به الهام شهادت داد پس معلوم شد که توریه به انجیل و شریعت به مسیح تکمیل شد پس آنچه در توریه جسمانی بود در انجیل روحانی شد و آنچه در توریه ظاهری بود در انجیل حقیقی شد. آیا در این صورت ممکن است که مسیح بگوید توریه منسوخ است؟ هر کس احکام توریه را با احکام انجیل مطابق کند فورا دریافت خواهد کرد که انجیل حقیقت و انجام و روح توریه است و اساس تمام ترقیات مسیحیان عالم انجیل است و انجیل چنان کتابی است که به هر اندازه ترقی و تمدن در عالم پیشرفت کند باز ممکن نیست که انسان خود را از آن مستغنی ببیند، بلکه در هر زمان محتاج به آن است.

چنانچه مذکور شد در هر زمان میوه مناسب آن زمان را در بر دارد و انجیل چنان کتابی است که از مردمان عوام صحرانشین تا اعلم علمای هر عهد و زمان از کلمات آن بهره‌مند می‌شوند هر کس که در عالم خودش را گناهکار بداند و از عقوبت آن بترسد و در صدد علاج آن باشد هنگامی که انجیل را بخواند و آن را قبول کند مانند گم شده ماند که در بیابان خطرناک واقع شده باشد و در آن حال یک راه آهنی برسد و او را مجانا قبول کند و با کمال مهربانی به مقصدش برساند و اگر آن گمشده قبول آن راه آهن نجات را نکند یقین است که در آن بیابان هولناک هلاک خواهد شد و خودش مسؤول خودش خواهد بود.

۲- در خصوص اینکه مسیح خاتم است

حال ببینیم که چنانکه در عهد عتیق یعقوب و موسی و داود و اشعیا و یرمیا و دانیال و هوشع و زکریا و... خبر از آمدن مسیح داده‌اند همچنان در انجیل هم خبر آمدن پیغمبری بعد از مسیح هست؟ یا آنکه مسیح خاتم است حال به طور نمونه چند آیه از انجیل که متعلق به این مطلب است در اینجا ذکر می‌نماییم. در متی ۱: ۳- ۶ مرقوم است: «به او گفت

آیا آن آینده تویی یا منتظر دیگری باشیم و عیسی در جواب ایشان گفت بروید و یحیی را از آنچه شنیده و دیده‌اید اطلاع دهید که کوران بینا می‌گردند و لنگان به رفتار می‌آیند و ابرصان طاهر و کران شنوا و مردگان زنده می‌شوند و فقیران بشارت می‌شنوند و خوشا به حال کسی که در من نلغزد.» از این سه آیه به طور واضح ثابت می‌شود که مسیح خاتمیت را به خود ختم کرده است و دیگر غیر از خودش خبر آمدن کسی را نداده و صراحتا فرموده «خوشا به حال کسی که در من نلغزد» باز در (متی ۱۳: ۳۷- ۴۳) می‌فرماید: «در جواب ایشان گفا آنکه بذر نیکو می‌کارد پسر انسان است و مزرعه این جهان است و تخم نیکو ابنای ملکوت و کرکاس‌ها پسران شریرند و دشمنی که آنها را کاشت ابلیس است و موسم حصاد عاقبت این عالم و دروندگان فرشتگانند پس همچنانکه کرکاس‌ها را جمع کرده در آتش می‌سوزانند همانطور در عاقبت این عالم شد که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده همه لغزش‌دهندگان و بدکاران را جمع خواهد کرد و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت جایی که گریه و فشار دندان بود آنگاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد هر که گوش شنوا دارد بشنود.» پس واضح و معلوم شد که از زمان مسیح تا عاقبت این عالم دیگر غیر از مسیح کسی نمی‌آید و سر و کار همه با مسیح خواهد بود چنانچه به فرستادگان یحیی فرمود خوشا به حال کسی که در من نلغزد و اینجا می‌فرماید در عاقبت این عالم پسر انسان ملائکه خود را فرستاده همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع کرده و ایشان را در تنور آتش خواهد انداخت و فرمود تمام انبیا از ابراهیم تا ملاکی خبر آمدن نجات دهنده که مسیح باشد را داده‌اند.

چنانکه از اول توریه تا آخر عهد عتیق بسیار از این اخبار است، لیکن از اول انجیل تا آخر آنکه مکاشفات یوحنا باشد خبر از آمدن لغزش‌دهندگان می‌دهد، لیکن خبر از آمدن یک پیغمبری صادق ابدا یافت نمی‌شود و باز در (متی ۲۸: ۱۸و ۳۰) می‌فرماید: «پس عیسی پیش آمده بدیشان خطاب کرده گفت تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم آمین.» در این صورت غیر از مسیح نباید منتظر کسی بود در هیچ عهد و زمانی، زیرا که مسیح می‌فرماید تا انقضای عالم فقط من خواهم بود و باز در لوقا ۱: ۳۳ مرقوم است: «و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.» معلوم است که هر کس به مسیح ایمان بیاورد از خاندان یعقوب که خدا شریعت را بر قوم بنی‌اسراییل فرستاد فرمود اشخاص غریبی که در میان شما داخلند و یا داخل شوند در تحت همین شریعت خواهند بود تفاوتی با هم ندارند و باز در لوقا ۱۶: ۱۶ می‌فرماید: «توریه و انبیا تا به یحیی بود و از آن وقت بشارت به ملکوت خدا داده می‌شود» از این آیات به خوبی معلوم می‌شود مسیح هم خاتم پیغمبران بود، زیرا که می‌فرماید توریه و انبیا تا یحیی بود و هم کامل کننده شریعت، زیرا که می‌فرماید از آن وقت بشارت به ملکوت داده می‌شود؛ یعنی بعد از این شریعت جسمانی مبدل به شریعت روحانی خواهد شد دیگر شریعت جسمانی از طرف خدا فرستاده نخواهد شد و شریعت به انجیل کامل و ختم است و باز در اعمال رسولان ۴: ۱۳ مرقوم است: « و در هیچ کس غیر از او نجات نیست، زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده است که بدان باید ما نجات یابیم» و باز در اعمال رسولان ۱۷: ۳۱ می‌فرماید: «زیرا روزی را مقرر فرمود که در آن روز ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به این که او را از مردگان برخیزانید.»

یعنی از برای کسانی که خبر مسیح و مژده انجیل را شنیدند راه عذری نباشد، زیرا می‌فرماید اسمی دیگر نیست که ما به آن نجات یابیم دیگر هیچ وعده نمی‌دهد که بعد از پانصد سال یا هزار سال یا دو هزار سال دیگر کسی خواهد آمد، لیکن می‌فرماید که روزی را مقرر نمود که در آ ن ربع مسکون را مسیح داوری خواهد کرد پس معلوم شد که سر و کار تمام نوع بشر با مسیح خواهد بود لاغیر و باز در رساله اول پولس که به قرنتیان نوشته شده ۳: ۱۱ مرقوم است: «زیرا بنیادی دیگر هیچ کس نمی‌تواند نهاد جز آنکه نهاده شده است؛ یعنی عیسای مسیح» آیا با وجود این آیات به این واضحی دیگر ممکن است که شخصی غیر از مسیح منتظر خاتمی دیگر باشد و یا این نسبت را به دیگری بدهد مگر آنکه از توریه و انجیل بی‌خبر باشد و باز در رساله پولس به افسسیان ۱: ۳۱ در خصوص مقام مسیح مرقوم است: «بالاتر از هر ریاست و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی که خوانده می‌شود نه در این عالم فقط بلکه در عالم آینده نیز.» در این صورت آیا خوانندگان محرم دیگر کسی را می‌توانند با او همدوش و هم رتبه قرار بدهند و غیر از مسیح می‌توانند به دیگران امیدوار باشند و آیا انصاف کسی که طلب حق باشد اجازه می‌دهد که دیگر غیر از خدا کسی را بر مسیح مقدم بدانند، زیرا که در رساله پولس به کولسیان ۱: ۱۵- ۱۷ چنین مرقوم است: «و او صورت خدای نادیده است نخست‌زاده تمامی آفریدگان، زیرا که در او همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت‌ها و سلطنت‌ها و ریاسات و قوات همه به واسطه او و برای او آفریده شد و او قبل

از همه است و در وی همه چیز قیام دارد پس در صورتی که مسیح سلطان آسمان و زمین است و تمام عالم به وسیله او و برای او آفریده شد و هستی ما و قیام ما از اوست نباید که او را ترک کرده و به دیگری امیدوار باشیم، زیرا که سر و کار ما با او خواهد بود» به جهت آنکه در رساله دوم پولس به تیموتاؤوس ۴: ۱ چنین مرقوم است «تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می‌دهم و به ظهور و ملکوت او.»

پس مسیح بر مردگان و زندگان حاکم است و از حضور او نمی‌توانیم فرار نماییم پس هر که نجات روح و جسم خود را طالب است و شیطان قلب او را کاملا فاسد نکرده است باید مسیح را خاتم پیغمبران و نجات‌دهنده و زنده کننده ارواح انسان بداند و به او ایمان بیاورد و خودش را به او بسپارد تا خون مسیح گناهان او را کفاره کند و به توسط او در نجات ابدی داخل شود و در انجیل از این مطالب بالاتر و بهتر بسیار است و این چند آیه برای یادآوری و نمونه نوشته شده هرگاه مایل به دیدن آنها باشید به انجیل رجوع فرمایید.

۳– در خصوص باز آمدن مسیح به جهان

و این را باید دانست که مسیح باز به این جهان خواهد آمد نه فقط مؤمنین در ملکوت او را ملاقات خواهند کرد بلکه در این جهان باز او را ملاقات خواهند نمود منتها دفعه اول مسیح برای انجام شریعت و فدا کردن خودش راجع به مؤمنین و گذرانیدن قربانی کامل در حضور خدا و نجات بشر آمد و این دفعه به جهت انتقام می‌آید و طریق آمدنش در انجیل به طور وضوح مرقوم است تا مؤمنین دیگری را به جای او گمان نکنند و به اشتباه نروند هنگامی که مسیح آید هر چشمی او را خواهد دید. از جمله آیاتی که خبر آمدن مسیح را می‌دهد در متی ۱۶: ۳۷ مسیح می‌فرماید: «زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد.» باز در متی ۲۴: ۳۰– ۳۱ می‌فرماید: «آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهد آورد» و در متی ۲۴: ۳۷ می‌فرماید: «لیکن چنان که ایام نوح بود ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود» یعنی همچنان که در زمان نوح مردم سرگرم خودشان بودند و خدا را به کلی فراموش کرده بودند تا روزی که نوح داخل کشتی شد و غفلتا طوفان جهان را غرق کرد و فقط ناجیان اهل کشتی بودند همچنان ظهور مسیح به طور غافلگیرانه خواهد بود و فقط مؤمنین در کشتی نجات مسیح نجات خواهند یافت، چنانکه در لوقا ۱۲: ۴۰ می‌فرماید: «پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید» و در لوقا ۲۱: ۳۷ می‌فرماید: «و آن گاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید» و در یوحنا ۲۱: ۲۲ می‌فرماید: «عیسی به او گفت اگر بخواهم که او بماند تا باز آیم تو را چه» و این خبر از فرشتگان هم شنیده شد چنانکه در اعمال رسولان ۱: ۱۱ مرقوم است: «گفتند ای مردان جلیلی چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.»

در کلمات این دو فرشته تعلیمات عمده است که مؤمنین هرگز اشتباه نمی‌کنند، زیرا که آن دو فرشته نمی‌گویند شخصی به این اسم یا به این رسم یا به این سمت یا به این روح یا به این قوت یا به این شکل خواهد آمد که شخصی تردید پیدا کند، بلکه می‌گویند که همین عیسی و به همین طور که در نظر شما به آسمان بالا برده شد به همین طور خواهد آمد. به همین جهت مؤمنین همیشه در انتظار مسیح هستند نه غیر از مسیح. چنانکه در رساله اول پولس به قرنتیان ۱۱: ۲۶ مرقوم است: «زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که باز آید» و در رساله اول پولی به تسالونیکیان ۱: ۱۰ چنین مرقوم است: «و تا پسر او را از آسمان انتظار بکشید» و در ۲: ۱۹ همین رساله مرقوم است: «در حضور خداوند ما عیسی در هنگام ظهور او» و در ۱۳: ۱۲ مرقوم است: «در هنگام ظهور خداوند ما عیسای مسیح با جمیع مقدسین خود» و در ۴: ۱۶ باز مرقوم است: «زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد.» و در ۵: ۲۳ مرقوم است: «و در وقت آمدن خداوند ما عیسای مسیح» و در رساله دوم تسالونیکیان ۱: ۷ مرقوم است: «و در هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهور خواهد نمود.» و در رساله اول تیموتاؤوس ۶: ۱۴ مرقوم است: «تا به ظهور خداوند ما عیسی مسیح» و در یعقوب ۵: ۷ مرقوم است: «پس ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید.» و همچنین در مکاشفات یوحنا آمدن مسیح را مفصلا بیان کرده و این چند آیه برای نمونه نوشته شده تا کسانی که طالب نجات حقیقی هستند بدانند که مسیح خاتم پیغمبران بود و بار اول آمد از برای نجات جهان و بار دوم می‌آید از برای انتقام از بدکاران

و کسانی که او را رد کردند و ایمان نیاوردند. کتاب مقدس انسان را کاملا مستغنی می‌کند و از گذشته و آینده خبر می‌دهد چنانکه در انجیل مفصلا خبر می‌دهد که اشخاصی بعد از مسیح خواهند آمد و ادعاهای بزرگ خواهند کرد و بسیاری را گمراه خواهند کرد هرگاه این آیات را بخواهید ملاحظه کنید. در متی ۱۷: ۱۵ و همچنین ۲۴: ۱۱ و ۳۴ باز ملاحظه می‌فرمایید و مرقس ۱۳: ۲۲ و نیز غلاطیان ۱: ۸ و ۹ و همچنین دوم تسالونیکیان ۱۲: ۱ تا به آخر. پس غرض این است که بار دیگر مسیح از آسمان خواهد آمد نه اینکه دوباره از مادر متولد خواهد شد پس از روزی که مسیح به آسمان رفت و تا روزی که از آسمان ظاهر شد هرکس از مادر متولد شود بگوید من مسیح هستم یا پیغمبر هستم یا هر قسم ادعایی بکند ایمانداران به مسیح او را رد خواهند کرد و ادعای او را مخالف با کلام خدا می‌دانند و به فرموده مسیح انتظار مسیح را از آسمان دارند نه از زمین. مسیح بدون مثل و کنایه بلکه صراحتا فرموده از آسمان با قوت و جلال خواهد آمد.